

علی کلانتری ، روز چهارم جشنواره فیلم فجر با یک حساب سرانگشتی و نگاهی به سوانح سازندگان و همچنین عوامل، تنها می‌توانست یک فیلم خوب و قابل دیدن داشته باشد.

«دست ناپیدا» به‌کارگردانی تنها زن جشنواره یعنی انسیه شاه حسینی، «میرو» به‌کارگردانی حسین ریگی، «آغوش باز» به‌کارگردانی بهروز شعبیی و انیمیشن «ساعت جادویی» به‌کارگردانی محمدعلی نصیری نیک، آثاری بودند که به گواه قرعه‌کشی و تصمیم هیات انتخاب، در روز چهارم جشنواره فیلم فجر برای اهالی رسانه و منتقدان در سالن اصلی برج میلاد به اکران درآمد.

تا روز چهارم جشنواره به غیر از دو اثر مابقی آثار چنگی به دل نزنند. تماشاج خونی به‌کارگردانی جواد عزتی و «صبحانه با زرافه‌ها» به‌کارگردانی سروش صحت دو اثری بودند که در جشنواره امسال تقریبا توانستند مردم و همچنین منتقدان و اهالی رسانه را راضی نگه دارند.

این امر و جلب توجه تنها دو فیلم آن‌هم با ژانری تقریبا نزدیک به گمدمی می‌تواند زنگ خطری برای سینمای ایران باشد. هیچ یک از فیلم‌های اجتماعی و حتی ژانر اکشن و دفاع مقدس از کیفیت کافی برخوردار نبودند و این می‌تواند حاکی از این قضیه باشد که اجتماعی‌سازی سینمای ما به دلیل شرطی شدن ذائقه مردم دیگر یا فیلم نمی‌سازند یا اگر قصد ساخت داشته باشند با تغییر ژانر برای فروش و دیده شدن بیشتر، سراغ ساخت کمدمی‌های عامه‌پسند می‌روند و همین اتفاق باعث می‌شود که در دراز مدت زیر شاخه درام اجتماعی به کل از سینمای ما حذف شود.

خارج از این گلایه‌ها و بنا به اقتضای جشنواره، در ادامه به بحث و بررسی چهار فیلم اکران شده روز چهارم جشنواره فیلم فجر می‌پردازیم.

دست ناپیدا؛ امتیاز ۵، از ۵

فیلم دست ناپیدا اثری از انسیه شاه حسینی تنها زن کارگردان حاضر در جشنواره چهل و دوم است. فیلمی درباره زنانگی در جنگ که از قضا در سیمای سینمای ایران تازگی ندارد. منیر قیدی در جشنواره قبلی با همین مضمون ولی با پرداخت و داستانی متفاوت، دست دختران را به جشنواره آورد که آن‌هم مثل اثر موردبحث، چنگی به دل نزد.

آغوشِ باز شعبیی رو به افول



دست ناپیدا داستان خیرنگار زنی است که قصد دارد برای عکاسی به خط مقدم برود و در همین مسیر دچار چالش‌هایی می‌شود. باید گفت سوژه‌ای که انسیه شاه حسینی برای ساخت این اثر سراغ آن رفته، سوژه خوبی است ولی مشکل اینجاست که اثر شاه حسینی شباهتی به فیلم ندارد، بیشتر شبیه فیلم کوتاه یا تله فیلمی است که نهایتا از تلویزیون منتشر شود. دست ناپیدا بیش‌ازحد شعاری و شاعرزده است و با داستان خطی در تمام طول اثر حوصله مخاطب را سر می‌برد. اگر بخواهیم کمی بیشتر دقت کنیم حتی دست ناپیدا داستان درست‌وحسابی و در خدمت فیلم نامه هم ندارد و سعی می‌کند با انبوه دیالوگ‌های شعاری، مخاطب را جذب کند که درنهایت موفق نمی‌شود.

در سال‌های اخیر انبوهی از فیلم‌های دفاع مقدسی باکیفیتی نازل و غیرقابل بحث ساخته شده که نه درشان سینمای ایران بوده و نه حتی در مقیاس بزرگ‌تر در حد جنگ هشت‌ساله!

در کل دست ناپیدا حرفی برای گفتن نداشت و نه از لحاظ

فرمی و نه از لحاظ محتوایی قابل بحث نبود.

میرو؛ امتیاز ۵، از ۵

میرو ساخته حسین ریگی در دومین سانس از چهارمین روز جشنواره فجر روی پرده رفت. میرو روایتی است از نوجوانی بسججی تحت تاثیر سردار شهید حاج قاسم میرحسینی سعی می‌کند که خود را به جبهه‌های جنگ برساند. اگر بخواهیم سر راست سراغ نقد این فیلم برویم باید عرض کنیم که این فیلم هم همانند فیلم قبلی، هیچ حرفی برای گفتن نداشت و تنها بهانه‌ای بود برای تلف کردن بودجه!

حسین ریگی با اینکه سال گذشته با فیلم هوک در جشنواره حضور داشت مانند کارگردانی تازه‌کار فیلمی ساخت که از هر نظر فاقد جذابیت‌های ممکن بود. ریگی که از زادگاه خود یعنی سیستان‌وبلوچستان شناخت کافی دارد همیشه علاقه خود را به روایت در این خطه از کشورمان با ساخت فیلم‌هایش بیان کرده ولی میرو به معنای واقعی کلمه تلف کردن بودجه توسط تهیه کننده

و تلف کردن وقتِ مخاطبان است. میرو هیچ هدفی ندارد و به‌شدت سردرگم است و در سکانس‌هایی آنقدر فیلم از ریتم می‌فند که در کل کار را خسته کننده و بی‌هدف جلوه می‌دهد.

میرو می‌توانست با فیلم نامه‌ای قوی‌تر همراه با درک درست ریگی از سیستان‌وبلوچستان به اثری قابل قبول و ماندگار تبدیل شود ولی حیف از این همه بودجه‌ای که تلف می‌شود.

آغوش باز؛ ۱ از ۵

سیانور، دهلیز، دارکوب، بدون قرار قبلی و حالا «آغوش باز»!!!! آغوش باز روایتی است از آماده‌سازی یک سالن کنسرت برای برپایی یک اجرا و مصائبی که در این میان گرہ ایجاد می‌کند. بهروز شعبیی که اهالی سینما همیشه از او به‌عنوان یکی از کارگردان‌های باهوش یاد کرده‌اند و آثار وی در سینماها بازخورد و فروش خوبی در گیشه داشته است با ساخت آغوش باز، علامت سوال بزرگی را در کارنامه خود درج کرد. آغوش باز فیلمی بی‌هویت است که نشانی از شعبیی که می‌شناختیم ندارد. فیلمی بی‌سروته که ظاهرا نتیجه‌ی ماجراجویی شعبیی و اصرار آن بر خلق اثر جدید و یا حتی تابوشکنی و فاصله از فضای آثار قبلی‌اش است.

هیچ‌کدام از کارکترهای فیلم با توجه به فقدان فیلم‌نامه‌ای منسجم، دارای هویت نیستند و متعاقبا نمی‌توانند خودشان را در دل مخاطب جا بکنند.

آغوش‌باز مجموعه‌ای از خرده روایت‌هاست که به سرانجام نمی‌رسد. با توجه به شناختی که از شعبیی داریم انتظار نمی‌رفت که حداقل بعد از ده دقیقه ابتدایی گرہ اول مطرح و در ادامه به گرهِ‌کشایی منجر شود ولی یسا ما زیادی صبوریم یا آقای شعبیی مسیر را اشتباه رفته بود.

فیلم و فیلم‌نامه هدف خاصی را دنبال نمی‌کند و هرچقدر بیشتر منتظر اتفاقی باشید کمتر به نتیجه‌ای می‌رسید.

بازی‌ها دم‌دستی است و به‌هیچ وجه در این سطح قابل‌قبول نیست. از بهروز شعبیی با این کارنامه درخشان انتظار می‌رفت با آن آثار دلچسب و پرمحتوا، سراغ ساخت اثری پرمغزتر برود ولی متأسفانه! اثری چهارم به دلیل کمبود وقت و همچنین علاقه نداشتن نویسنده این اثر به ژانر انیمیشن مسورد قضاوت و نقد قرار نگرفت.

از ۲ میلیون ۱۷۰ هزار مخاطب را جذب سالن‌های نمایش دهنده کند و عنوان دومین فیلم پربیننده سال را پس از فیلم «افق» به کارگردانی رسول ملاقلی پور به دست آورد. هنرنمایی ماندگار نصریان در فیلم «بوی پیراهن یوسف» ساخته ابراهیم اتری کیا موفق‌ترین نقش آفرینی او در دهه هفتاد است.

«بوی پیراهن یوسف» که در چهاردهمین جشنواره فیلم فجر (بهمن ۱۳۷۴) با استقبال تنسسی تماشاگران روبرو شد و البته بی‌مهتری داوران با نامزدی در ۳

بخش بهترین فیلمبرداری، بهترین بازیگر نقش مکمل مرد و بهترین صداپردازی روبرو شد.

علی نصریان در دهه ۸۰ حضوری متفاوت در فیلم سینمایی «دیوانه‌ای از قفس

پرید» ساخته احمدرضا معتمدی را تجربه کرد.

فیلمی که در بیست و یکمین جشنواره فیلم فجر که جوایزش محدود شده بود، برنده ۳ سیمرغ بلورین بهترین فیلم، بهترین بازیگر نقش اول زن (نیکی کریمی) و بهترین موسیقی متن (مجید انتظامی) شد. علی نصریان در دهه ۹۰ کمدمی «ایران برگ» ساخته مسعود جعفری جوزانی را بازی کرد.

این فیلم در سی و سومین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و ضمن نامزدی در ۵ بخش، سیمرغ بلورین بهترین چهره پردازی (مهین نودی) را کسب کرد. «مسخره باز» ساخته متفاوت هماهون غنی‌زاده دیگر فیلمی بود که نصریان در آن حضور داشت و در سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول، بهترین فیلم هنر و تجربه و بهترین جلوه های ویژه تصویری را هم از آن دوران دریافت جایزه بود.

علی نصریان سال گذشته با فیلم هفت بهارنارنج در چهل‌ویکمین جشنواره فیلم فجر حضور داشت. او در ۸۸ سالگی با این فیلم دومین سیمرغ بلورین کارنامه‌اش را کسب کرد. نصریان حالا و در چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر نیز با سینمایی «پرووز» حضور دارد تا همچنان نامش در جشن سینمای ایران بدرخشد.

ثقفی اظهار کرد: مسئله فیلم ما ایران و تعصب روی ایران‌مان است و فکر می‌کنم این فیلم می‌تواند قدمی در تقویت ملیت ما و افتخار به ایرانی بودن‌مان بردارد. او درباره میزان رضایت خود از نتیجه نهایی‌ی کارش گفت: خودم خیلی راضی هستم، به نظرم کار سختی را انجام دادیم و به بحث ناشناخته‌ای ورود کردیم، حتی به نظرم سکانس‌هایی را در این فیلم می‌بینیم که در سینمای ایران تاکنون عمل کار بسیار پیچیده و گسترده‌ای بود.

ایسن فیلم که به یک اتفاق خاص در تیم ملی ایران در دوران مربیگری دهداری می‌پردازد و هنوز هم ناگفته‌هایی از آن باقی مانده است، شخصیت‌هایی دارد که برای آن‌ها می‌توان مابه‌ازای واقعی پیدا کرد. البته ثقفی تأکید دارد که بازیکن گزینش را از آن دوران مدنظر قرار نداده است.

او در ایسن زمینه توضیح داد: ما در فیلم بازیکن یا شخصی خاصی را در تیررس قرار ندادیم ولی بعضی ویژگی‌ها در ایسن کاراکترهای خیالی، واقعی است و بعضی‌ها ویژگی‌ها هم واقعی نیست. ملاک ما بیشتر روایت تفکر آقای دهداری بود و دلیلی نمی‌دیدیم که خیلی وارد مسائل دیگر شویم.

«پرویز خان» با بازی سعید پورصمیمی یکی از ساخته‌های جدید سازمان اوج است که در آخرین روز جشنواره فیلم فجر در برج میلاد برای اهالی رسانه و منتقدان رونمایی می‌شود.

اعلام زمان برگزاری نمایشگاه کتاب

سنخگو و قائم‌مقام سی‌وپنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از برگزاری این نمایشگاه طی روزهای ۱۹ تا ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳ خبر داد. علی رضانی، قائم‌مقام و سنخگوی سی‌وپنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران گفت: تاکنون دو جلسه اعضای شورای سیاست‌گذاری این نمایشگاه برگزار شده است که در جلسه نخست آن وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز حضور داشته‌اند. در جلسه دوم مصوب شد که قائم‌مقام به عنوان سنخگو هنر برگزار شود. به گزارش روابط عمومی نمایشگاه نیز در تبیین امور جاری کمک کنند.

او افزود: در این جلسات مصوب شد که برای نمایشگاه از نوزدهم تا بیست‌ونهم اردیبهشت ۱۴۰۳ باشد. همچنین حاضران بر تعامل هرچه بیشتر کمیته‌ها با یکدیگر تأکید کردند و برای غنای هرچه بیشتر و بهتر فعالیت آنها پیشنهاد تشکیل هیات‌های اندیشه‌ورز برای هر کمیته ارائه شد. رضانی ادامه داد: تسریع در اقدامات از جمله ثبت نام ناشران خارجی و داخلی از دیگر مصوبات این جلسات بود تا نمایشگاه در زمان مقرر و به بهترین نحو برگزار شود. به گزارش روابط عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران، سنخگو و قائم‌مقام سی‌وپنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در بخش دیگری از سخنان خود درباره مکان برگزاری این نمایشگاه نیز اشاره کرد: گزارش‌های آخرین بازدیدها از گزینه‌های موجود ارائه و مقرر شد تا شورای سیاست‌گذاری گزینه‌های موجود را در سریع‌ترین زمان ممکن بررسی کند تا درباره مکان برگزاری نیز تصمیم‌گیری شود. به گفته رضانی، مقرر شد پس از تعیین مدیران کمیته‌ها، در جلساتی موارد مربوطه به صورت جزئی‌تر بررسی شود. آسپشناسی دوره‌های قبل و بررسی بهای اجاره غرفه‌ها نیز از دیگر مباحث مطرح‌شده در دو جلسه اعضای شورای سیاست گذاری سی‌وپنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بود.

«جایزه نیکوکاری» در جشنواره فجر امسال اهدا می‌شود

چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، امسال در بخش «تجلی اراده ملی» به بهترین اثر نیکوکاری، جایزه اهدا می‌کند.

مرکز فرهنگ نیکوکاری خیر ماندگار (وابسته به بنیاد خیریه راهبری ال‌آ)، با هدف ترویج فرهنگ نیکوکاری در جامعه و اعتدای ظرفیت هنر و سینما برای توجه‌دادن به مضامین خیرخواهانه، تشکل حامی و طراح این جایزه است. محمدحسین لطیفی (نویسنده و کارگردان سینما)، پوران درخشنده (نویسنده و کارگردان سینما)، مهدی توسلی (فعال اجتماعی و مدیر مرکز فرهنگ نیکوکاری خیر ماندگار) و مژه اولسانلی (مجری و نویسنده) به عنوان هیات‌دوران این جایزه نیکوکارانه معرفی شده‌اند. در بخش تجلی اراده ملی چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، ۱۵ تشکل و نهاد به اهدافی جایزه ویژه می‌پردازند. آیین اهدای جوایز نیکوکاری و تشکل‌ها به برگزیدگان بخش تجلی اراده ملی، در اواخر بهمن سال جاری برگزار خواهد شد.

عنوان فیلم اولی اذیت‌م می‌کند

نشست خبری فیلم آپاراتچی با حضور عوامل فیلم و اصحاب رسانه برگزار شد.

در ابتدای این نشست، سجاد نصرالهی تهیه‌کننده فیلم گفت: این فیلم، برگرفته از کتاب «آپاراتچی» است. نزدیک به یک سال و نیم، بیش تولید طول کشید و پس از آن تولید را آغاز کردیم. شرایط این پروژه به دلیل این که در دهه ۶۰ می‌گذشت، مقداری متفاوت بود. در نهایت فکر می‌کنم توانستیم کار مورد قبولی را ارائه دهیم. علی طاهرفر کارگردان «آپاراتچی» گفت: جلیل طایفی یکی از فیلیسازان دهه ۶۰ ماست و در استان تبریز، کارهای مختلفی در حوزه پخش ایتام می‌دهد. او بخشی از فروش بلیت فیلم‌هایش را هم به صورت خودجوش به جنگ‌زده‌ها ارائه می‌دهد.وی افزود: زمانی که فیلمنامه این اثر نوشته شد، به سراغ مابه‌ازای بیرونی آن رفتیم. تئورج الوند بازیگر «آپاراتچی» از تجربه بازی در این فیلم توضیح داد و گفت: از این که نقشی به زبان شیرین آذری بازی کردم، خوشحالم. هیچ‌گاه فکر نمی‌کردم بتوانم با این گویش بازی کنم زیرا برای من سخت بود، اما اکنون فکر می‌کنم بازی در این نقش روی پرده سینما به اصطلاح درآمد است. وی اضافه کرد: همواره به استقبال نقش‌های جدید و سخت می‌روم و در ایسن نقش‌ها، تمایل بیشتری برای بازی دارم. جلیل طایفی کارگردان تبریزی و صاحب خاطرات شفاهی کتاب آپاراتچی، به زبان ترکی صحبت کرد و گفت: من خیلی بلد نیستم فارسی صحبت کنم. در کل باید بگویم که من تا کنسوم ۱۲۰ فیلم کار کردم و نزدیک به ۸۰ فیلم، مجوز پخش از ارشاد گرفته است. رضا ناجی بازیگر فیلم «آپاراتچی» اظهار داشت: جلیل طایفی ۴۵ سال در عالم هنر زحمت کشیده؛ منتها چون سواد ندارد و همیشه به زبان ترکی کار کرده، شاید خیلی مشهور نشده است. این فرد عاشق سینماست و چندین دهه پیش که با سوپر ۸ می‌متری فیلم می‌ساخت، من در چند فیلم او بازی کردم. وی افزود: زندگی جلیل طایفی به صورت کتاب «آپاراتچی» منتشر شده و خوشحالم که حالا این کتاب به فیلم تبدیل شده است. در ادامه طاهرفر، کارگردان فیلم سینمایی «آپاراتچی» تصریح کرد: عنوان فیلم اولی خیلی من را اذیت می‌کند. درست است که عنوانش بخش نگاه نوست؛ اما همه ما را به چشم فیلم‌اولی ما را می‌بینند.

«پرویز خان» و روایت اتفاقی عجیب در تیم ملی فوتبال پس از ۳۷ سال

کارگردان فیلم سینمایی «پرویز خان» تأکید کرد، «در این فیلم بازیکن خاصی را در تیررس قرار نداده‌ام ولی برخی ویژگی‌های کاراکترهای خیالی فیلم واقعی هستند».

علی ثقفی که نخستین تجربه بلند سینمایی خود را با پرداختن به دورانی از مربیگری مرحوم پرویز دهداری – یکی از سرمربیان سرشناس سال‌های دور تیم ملی فوتبال – راهی چهل و دومین جشنواره فیلم فجر کرده، از ویژگی‌ها و حساسیت‌های ساخت فیلمش سخن گفت.

او که خود را در عالم تماشای فوتبال یک تماشاچی پرهیجان می‌داند، درباره ساخت فیلم «پرویز خان» با سوژه‌ای ورزشی به ایسنا گفت: ساخت فیلمی درباره مرحوم پرویز دهداری از چند جهت برایم مهم بود؛ از جمله آن‌که جهان کاراکتر به من نزدیک بود و دیگر آنکه جدا از علاقه خودم به تماشای مسابقات فوتبال تیم ملی، علاقه داشتم درباه این تیم یک فیلم هم بسازم بخصوص آنکه پیش‌تر سابقه ساخت مستندهای فوتبالی را هم داشتم.

ثقفی درباره شناخت خود از پرویز دهداری –بازیکن و مربی سابق تیم ملی